

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

لیمه حقجو

فرشته حضرتی، نرسی که ادعای دکترای طب و نویسندگی دارد؟

مقاله (جان کندن لغمانی-خوراک مغول) آقای سیستانی را خواندم و از اینکه تماماً حرف های دل مردم ستم دیده کابل را گفته اند خواندنش برای من خیلی خیلی دلچسپ بود. ایشان همواره حق و حقیقت را مینویسند و من مقالات شانرا همیشه میخوانم و از آن چیزهای نومی آموزم. در سایت خاوران مقاله فرشته حضرتی را نیز خواندم مگر آنچنانکه عنوانش میگوید (سیستانی هم به میخ میزند و هم به نعل) هیچ نمونه و مثالی نداده که آقای سیستانی در کجا به جای میخ به نعل زده است.

من گفته خواهرم (پروین زهرا حسینی) را تائید میکنم که آقای سیستانی میخ حقیقت را بر تابوت جنایتکاران و خابین ملت افغانستان به خوبی میکوبد و با چنین کوبیدن خود خواب جنایتکاران و غارتگران و متجاوزین به حقوق دیگران و طرفداران این جنایتکاران را نا آرام میسازد. اینکه فرشته حضرتی میگوید که سیستانی چرا از جنایات حکمتیار و طالبان نمیگوید؟ من فرشته حضرتی را به مقاله (طالبان پشت سکه اخوانیزم، و هر دو مصیبتی بزرگ برای مردم ما) در آرشیف سایت افغان-جرمن حواله میدهم که در آن به حد کافی چهره طالبان و رهبران اخوانی به شمول ربانی و گلبدین معرفی شده است. و واقعاً همانطور که آقای سیستانی تشریح کرده اند هر دو تحریک مصیبت های بزرگی برای مردم افغانستان در سی سال اخیر چی که حتی در طول قرن بیستم به حساب میروند. فکر میکنم که فرشته جان ان مقاله را نخوانده اند و اگر میخواند از سیستانی به خاطر ذکر نکردن گلبدین و ملا عمر و طالبان شکایت نمیکرد. مگر خانم فرشته باید این را میدانست که به قول کابلیان (هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد). در اینجا روی سخن آقای سیستانی متوجه تجلیل های های زورکی و تبلیغات دروغی برای کلان کردن و قهرمان ساختن احمدشاه مسعود است، نه قهرمان تراشی ملا عمر و یا حکمتیار.

اگر ویران کردن شهرها و غارت کردن دارائی های عامه و جنایت کردن و انسان کشی ملاک قهرمانی باشد، می باید که آقای کرزی برای سیاف و رشید دوستم و محقق و مزاری و کریم خلیلی نیز چنین القابی داده و چنین تجلیل هاوسالگره هایی بگیرد و به نام هریکی یک روز را رخصتی عمومی اعلان کند. ورنه فرشته حضرتی بگوید که مسعود در ویرانی شهر کابل و کشتن تخمین ۷۰ هزار مردم کابل و مخصوصاً کشتن هفت هزار مردم بیگناه افشار از کدامیک از جنایتکاران فوق الذکر دست کمی داشته است؟ و آیا مگر میتواند بگوید که داستان واقعی آقای (ابن سکندر) که در صفحه نظریات بر مقاله آقای سیستانی درج شده دروغ است؟

من هم آقای سیستانی را می شناسم و هم خانم فرشته حضرتی را، زیرا که من هم در شهری زندگی میکنم که آنها زندگی میکنند. بین آقای سیستانی و خانم فرشته حضرتی هم از لحاظ شخصیت و هم از نظر علمیت و دانش از زمین تا آسمان فرق موجود است. فرشته حضرتی به این می نازد که **خیاشنه احمدولی مسعود برادر احمدشاه مسعود** است و باگرفتن پول از احمدولی مسعود رادیوی زنان افغان را در این شهر مختص به توصیف و تعریف های احمدشاه مسعود ساخته و اصلاً رادیوی دیگر حرفی و محتوایی جز تعریف احمدشاه مسعود و بدگویی از دیگران ندارد.

بهتر است فرشته حضرتی باری سر خود را به گریبان خود فروبرد و از خود بپرسد که آیا او توانائی تردید سخن و نوشته آقای سیستانی را دارد؟ ما همه کسانی که با او در یک شهر زندگی میکنیم میدانیم که او اهل خرابیات است و نه اهل مناجات. و کسانی که برایش مینوسند، از حماقت وی برای به شهرت رسیدن سوء استفاده میکنند و خودش که سواد نوشتن ندارد، همینکه در بالای نوشته ای نام خود را ببیند فکر میکند که نه تنها به شهرت رسیده بلکه نویسنده هم شده است. نویسنده شدن فرشته جان هم مثل داکتر شدن و شاعر شدن او است.

ما در شهر گوتنبرگ سویدن در نزدیکی خانم فرشته زندگی میکنیم. هر وقتی که در راه یا مغازه و یا محفلی با مادر فرشته جان روبرو می شدیم و با او احوال پرسی میکردیم مادرش همیشه میگفت فرشته جان امتحان دارد. وقتی میپرسیدیم چه را امتحان میدهد، جواب میداد: مگر شما نمیدانید که او طب میخواند و امسال سال آخرش است. بالاخره بعد از ۱۳ سال امتحان دادن، اینک او در شفاخانه (موندال) گوتنبرگ به اصطلاح سویدنیها (اوندر خوی خوترشکه) یعنی به حیث نرس تنظیمات مریضانی که جلوشاش و گوهی خود را گرفته نمیتوانند، اجرای وظیفه میکند. درحالی که این وظیفه یک سال و در نهایتش دو سال وقت لازم دارد. اینست استعداد و لیاقت فرشته حضرتی در فراگرفتن علم، شما خود میتوانید نویسنده شدنش را هم قیاس کنید. اگر فرشته حضرتی میخواهد نویسنده شود باید از کازینو رفتنها و قماربازی هایش بکاهد و کمی خود را با کتاب و قلم آشنا کند.

جالب این است که همین (اوندرخوی خوترشکه) در سایت خاوران و سرنوشت همواره به حیث دکتور و دکلماتورزبردست و همطراز فریده انوری و شاعرنازک خیال همانند نادیه فضل و در نویسندگی همتای ثریا بهاء خود را قالب میزند، من هیچ قرابتی با فریده انوری و نادیه فضل و ثریا بها ندارم، ولی این را وقاحت و بی وجدانی میدانم که فرشته حضرتی را که بسیار کم سواد است با فریده انوری و یا ثریا بها و یا نادیه فضل مقایسه کنم. این مقایسه مثل مقایسه یک نظافت چی در شفاخانه با یک طبیب تحصیل کرده و متخصص است. در پایان از آقای سیستانی خواهش میشود تا جواب این انسان ناسپاس را بدهد، اگر چه میدانم که فرشته حضرتی میخواهد با مقابله با یک نویسنده نامدار وطن ما شهرت کمائی کند.

کارهای که از فرشته حضرتی سر میزند از هیچ یک زن باوقار افغان تا کنون سر نزده است. درحالی که وزنش تخمین از ۲۰۰ کیلوگرام تجاوز نموده، و می باید قدری ورزش نماید، برعکس دنبال شهرت کاذب افتاده است. فرشته از نقطه نظر عقلی نیز در حد یک شاگرد صنف سوم مکتب عقب مانده است و اولین دلیل عقب افتادگی اش این است که در این سن و سال که هیچگونه جذابیت برایش باقی نمانده، شوهر خود را که داکتر طب و مردی حلیم و سخت پرحوصله بود با دو طفل ۱۶- و ۱۷ ساله خود طلاق داد و اکنون آوازه انداخته که داکتر عبدالله وزیر خارجه قبلی خواستگار اوست. شاید از آن طرف نیز چراغ سبزی برایش روشن شده باشد؟ من فکر میکنم که او جسماً و عقلاً سخت مریض روانی است. فعلاً همینقدر بس است، در آینده از تبهکاریهایش باز هم خواهم نوشت. والسلام!

یادداشت :

از نظر ما مقام و موقعیت یک شغل در مقایسه با شرافت و تعهد مسلکی افراد به درجه دوم قرار داشته، هرگاه یک نرس، نظافتچی و یا یک مستخدم دم دروازه وظیفه محوله را با صداقت، امانتداری و عشق خدمت به مردم انجام دهد، به مراتب ارزشمند تر است تا یک تحصیل کرده خاین به مسلک و خاین به مردم. این تذکر صرف به منظور بیان موضع پورتال در قبال وظایف اجتماعی افراد صورت گرفته است. امید ما آن است تا خانم "حضرتی" از تعهد مسلکی بیشتری نسبت به فعالیت های مطبوعاتی خویش برخوردار باشند.

اداره پورتال AA-AA